

محمدجواد لاریجانی به وزارت ارشاد توصیه کرده برخی از سران اصلاحات را به کنسرت‌های سیدنی و وین ببرند تا وقار جلسات را ببینند.

دولت در برابر تجاهر به فسق مسئولیت دارد!



محمدجواد لاریجانی طی گفتگویی با اشاره به سخنان رئیس‌جمهور در بحث امر به معروف و نهی از منکر گفت: "ما مسئول بردن مردم به بهشت نیستیم" یک شعار "بی‌مزه" سکولار-لیبرال است.

به گزارش اسپادانا خبر، این فعال سیاسی اصولگرا در بخش دیگری در واکنش به اعتراض جریان‌های سیاسی به تعطیلی برخی کنسرت‌ها اظهار داشت: ظاهراً مقصود آنها یا تصور آنها از "کنسرت" مجلس "بزن و برقص" است که تعطیل می‌شود. توصیه من به وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی این است که برخی از سران اصلاحات را به کنسرت‌های سیدنی و وین ببرند تا ببینند که چه وقار و ادبی در جلسه حکم‌فرما است.

گزیده گفتگوی تسنیم با لاریجانی در زیر می‌آید:

"خب، تمام مسئولیت‌های مملکت‌داری به عهده رئیس‌جمهور است و مقدار هم به رهبر داده شده است!، خوانش سکولار و گزینشی از قانون اساسی برمی‌شمارد. وی همچنین معتقد است اینکه بگوییم "ما مسئول بردن مردم به بهشت نیستیم" که نوعی شعار "بی‌مزه" سکولار-لیبرال است، ناشی از همین تفکر (خوانش سکولاریستی از قانون اساسی) است چراکه بحث بر سر مسئولیت حکومت در قبال تجاهر به فسق است و لاغیر. در نظام سکولار اصالتاً فسقی وجود ندارد و در مواردی که "خرق عادت عمومی" است قاضی حکم به توقف می‌دهد تا عادت با حرکت نامانوس حاصل شود. اما در نظام اسلامی دولت در برابر تجاهر به فسق مسئولیت دارد و به تناسب شرایط و موضوع باید اقدام کند.

یا اینکه درباره اقدامات عملی دولت در اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر که مصرح قانون اساسی است بگوئیم: "همه مردم امر به معروف هستند و تنفر از ظلم بهترین نهی از منکر است". اینها معنای عملی دارد: یعنی فعلاً بی‌خیال! خیلی روشن است که همه مسلمان‌ها موظف به امر معروف و نهی از منکر هستند که وظیفه، تکلیف و واجب کفایی است. یا در نهی از منکر فقها "تنفر" را شرط نمی‌دانند! منتها فرد باید در حال نهی از منکر خود عامل نباشد و یا مشهور بدان نباشد. ضمناً صرف داشتن "تنفر" انجام وظیفه نهی از منکر نیست! ضمناً ظلم از منکرات است و ظلم به ولایت بالاترین ظلم‌ها است به حسب روایات متعدد.

تفکر سکولار-لیبرال، دشمن امر به معروف و نهی از منکر است. این را خوب می‌فهمیم. منتها دوستان با پز سکولار-لیبرال نباید خوانش نادرستی از ماهیت اسلامی را تبلیغ کنند و این خود از بزرگترین ظلم‌ها است. "نواصول‌گرایی" باید فکر شفاف خود را از مبانی اسلامی در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) بدست آورد و آن را تبلیغ کند و در مقابل ادبیات شبه‌ناک و منحرف‌کننده کاملاً روشن‌نگر باشد.

در حوزه موسیقی و تغنی، حرف اول این است که موسیقی مقدم بر غنا است و پایه آن است، به رغم آنچه تبلیغ شده است. حرف دوم آن است که دنیای موسیقی هم از علم بهره می‌گیرد (بخصوص فیزیک و ریاضیات هارمونی-موج) و هم از فن(تکنیک مهندسی) بهره می‌گیرد (که در ساخت آلات دخل دارد) و هم از هنر! که زیبایی و تناسب می‌آفریند. اینها را ارسطو به ما یاد

داده است و فارابی نابغه در "موسیقی الکبیر" توسعه داده است و "تناسب‌های ایقاعی" که عمدتاً "ترکیب‌های موزون" را شامل می‌شود، اختراع کرده است. دکتر برکشلی-که فیزیکدان فاضلی است- سالها قبل طی مقاله‌ای در مجلات مربوط در فرانسه برخی از این تناسب‌ها را مطرح کرد که بنام فارابی "برچسب" خورده است. مقصودم توقف در حد "موسیقی الکبیر" نیست، بلکه امروز موسیقی (در علم، تکنیک و هنر) توسعه قابل توجهی دارد. مقصودم این است که ما دنیای موسیقی را به روی مردم، هنرمندان و جوانان با استعداد باز کنیم و موسیقی‌دان‌ها را بر مغنی‌ها برتری دهیم، اینهم یک حرف.

در این حوزه، جناح اصلاح طلب هیچ حرف حساب قابل عرضه‌ای ارائه نداده است. در موسیقی و غنا صرفاً می‌گویند "چرا رُنا پخش نمی‌شود؟" یا "چرا فلان کنسرت لغو شده است؟" یا در حوزه نمایش هر قطعه‌ای که مینای سکولار داشته باشد و به نظام اسلامی و حتی اسلام تعریض داشته باشد، صرفاً چون غرب سکولار و ضد اسلام آن را حمایت می‌کند و اسکار می‌گیرند و در "کن" شرکت می‌کنند، نمایش خوبی است!

البته ناگفته نماند که ظاهراً مقصود آنها یا تصور آنها از "کنسرت" مجلس "بزن و برقص" است که تعطیل می‌شود. توصیه من به وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی این است که برخی از سران اصلاحات را به کنسرت‌های سیدنی و وین ببرند تا ببینند که چه وقار و ادبی در جلسه حکم‌فرما است و مردم چگونه از اهالی هنر تقدیر می‌کنند و حتی شرکت در این مجالس "گد لباس" دارد؛ یعنی نمی‌توانند هر لباس راحتی هم بپوشند!!

ما در حوزه نمایش باید به رمان و "نمایش‌نامه" نویسی بیش از حرکات روی "سن" اهمیت بدهیم! متأسفانه امروز درست به طور برعکس عمل می‌شود. لذا روی "سن" مجبور می‌شوند به حرف‌های بی‌ارزش و "وضعیت‌های بی‌خاصیت" پردازند و از خشونت و شهوت برای جذب مشتری استفاده کنند. این مرض مهم سینمایی معاصر ایران اسلامی است! در هنر نمایش، مهم شکار وضعیت‌های مهم و زیبایی و معنادار زندگی انسانی است و سپس بازسازی آن به نحوی که بیننده خود را در "جریان" حس کند. این "شکار وضعیت‌ها" در حوزه رمان و نمایش نویسی باید اتفاق بیافتد.

منبع/ انتخاب

برچسب ها: [حقوق بشر](#) [1]
[دولت](#) [2]